

اقتباس

داستان و کلا



ساخته شده است. کتاب «شرکت» در سال ۱۹۹۳، ۱٫۵ میلیون نسخه فروش کرد.فیلمسازان با توجه به جذابیت موضوع داستان این کتاب بر آن شدند تا اقتباسی سینمایی از آن بسازند. نتیجه آن که در همین سال فیلم شرکت به کارگردانی سیدنی پولاک و با بازیگری تام کروز، ژانتر پلهورن، جین هکمن، اد هریس، هالی هانتز، هال هوبروک، دیوید استسرایترن و کاری باسی، ساخته شد. در همین سال فیلم «پرونده پلیکان» نیز با اقتباس از رمانی دیگر از جان گریشام ساخته شد. فیلم شرکت که ۴۲میلیون دلار بودجه صرف ساخت آن شده بود، در ۳۰ ژانویه ۱۹۹۳ اکران شد و با فروش ۲۷۰ میلیون دلار به موفقیت تجاری بسیار بزرگی رسید.این فیلم تبدیل به پر فروش ترین فیلمی شد که با اقتباس از آثار جان گریشام ساخته شده‌اند. منتقدان نقش آفرینی بازیگران این فیلم را ستوده‌اند، با این حال فیلمنامه این فیلم با نقد برخی از منتقدان روبه‌رو شـد. هالی هانتز برای بازی در فیلم شرکت نامزد در یافت جایزه بهترین بازیگر نقش مکمل زن شده بود. فیلم شرکت درباره جوانی به نام میچ مکدیر بر است. او که به تازگی از دانشکده حقوق فارغ‌التحصیل شده، تلاش زیادی می‌کند تا در یک اداره به‌عنوان مشاور حقوقی شغلی پیدا کند. سرانجام نیز از او دعوت می‌شود تا در یک اداره کار کند. او خیلی زود با رئیس قسمت خودش، «یوری تولا» دوست می‌شود. اما در این بین میچ متوجه می‌شود ۲۰کیل سابق شرکت به طرز مشکوکی به قتل رسیده‌اند.

اقتباس

دانشجوی در ستکار

پرونده پلیکان یک تریلر دادگاهی است که بر اساس کتابی به همین نام اثر جان گریشام ساخته شده است. آن جی پاکولا، کارگردانی این فیلم را عهده‌دار بوده است. جولیا رابرتز در این فیلم در نقش داربی شاو، دانشجوی جوان دانشکده حقوق و دنزل واشنگتن نیز در این فیلم در نقش کسری گرانتهام، خبرنگار و گزارشگر واشنگتن هالد بازی می‌کند. این فیلم نیز موفقیت بزرگ تجاری کسب کرد و با بودجه ساخت معادل ۵۰میلیون دلار، ۱۹۵٫۳میلیون دلار فروش کرد. پرونده پلیکان همچنین آخرین فیلمی بود که آن جی پاکولا پیش از مرگش در مقام نویسنده فیلمنامه و کارگردان ساخته بود. منتقدان نظرات متفاوتی را نسبت به این فیلم ارائه دادند، اما اغلب آنها بازی جولیا رابرتز و دنزل واشنگتن در پرونده پلیکان را ستودند. داستان این فیلم درباره دانشجویی است که درباره یک قتل، فرضیه حقوقی خود را به استادش اعلام می‌کند و سپس چوالتی ناگوار برایش رخ می‌دهد. پس از آنکه فردی به نام خامل، اقاضی دادگاه عالی به نام‌های جسنن و روزنبرگ را به قتل می‌ساند، داربی شاو دانشجوی حقوق، فرضیه حقوقی را در این باره در نوشته‌ای مطرح می‌کند و در این نوشته دیدگاه خود را با جزئیات درباره قتل ایسن دو بیان می‌کند. او این فرضیه را به استادش تامس کالاهان نشان می‌دهد. استادش نیز این پرونده را به گابوین ورهیک، مشاور ویژه مدیرافس‌ای نشان می‌دهد، پس از آنکه کالاهان در یک حادثه انفجار بمب در خودرویش کشته می‌شود، داربی فساوت بی می‌برد که فرضیه‌اش درباره قتل دو قاضی دادگاه عالی درست بوده است.

اقتباس

علیه نژادپرستی

اگرچه «زمانی برای کشتن» نخستین رمان جان گریشام بود اما در زمان انتشار اولیه به‌دلیل اینکه او نویسنده شناخته‌شده‌ای نبود، این کتاب با اقبال چندانی از سوی خوانندگان مواجه نشد و تنها پس از انتشار رمان دوم گریشام به نام شرکت بود که خوانندگان به رمان زمانی برای کشتن نیز اقبال نشان دادند. موضوع جذاب این رمان، جوئل شوماخر را بر آن داشت تا براساس آن فیلمی به نام زمانی برای کشتن را بسازد. در این فیلم بازیگرانی نظیر ماتیو مک کانافی، ساندرا بولاک، ساموئل ال جکسون، دونالد و کیفر ساندلند بازی کردند. منتقدان به این فیلم واکنش‌های متفاوتی نشان داده‌اند، اگرچه می‌توان در یک ارزیابی کلی گفت که اغلب واکنش منتقدان نسبت به این فیلم مثبت بوده است. این فیلم نیز به موفقیت تجاری بزرگی دست پیدا کرد و با بودجه ۴۰میلیون دلاری که برای ساخت آن در نظر گرفته شده بود، ۱۵۲میلیون دلار فروش کرد.

داستان این فیلم در شهر کوچکی در می‌سی‌سی‌پی می‌گذرد. کارل لی هیل (با بازی ساموئل ال جکسون) آجوان سفیدپوست را به‌خاطر اذیت و آزار دختر ده‌ساله‌اش کشته است. اگرچه اغلب انتظار می‌رود در چنین موقعیتی از پدری دلشکسته و ناراحت در برابر قانون حمایت شود و پرونده او عادلانه با در نظر گرفتن رفتاری که با دخترش شده، مورد بررسی قرار گیرد، اما به‌دلیل سیاهپوست‌بودن کارل و نفوذ محبوبیت فرقه نژادپرستان موبوم به کوکلوس کلان در این شهر، به‌نظر می‌رسد او شناسی در دادگاه جهت رهایی از حکم محکومیت نخواهد داشت. اما جیک برینگس، وکیل مدافع جوان یک‌تنه که از روی این پرونده را شروع کرد و تلاش داشت تا گردآوری اده قوی، پیروزی بزرگی در دادگاه را نصیب کار لی هیل کند.

گفت‌وگو

الهه شمس نژاد مترجم

«زمانی برای بخشش» برای بار سوم از شخصیت خیالی وکیل دوست داشتنی‌اش جیک برینگس که ۳۰ سال قبل در رمان «زمانی برای کشتن» با او آشنا شدیم، استفاده می‌کند. رمان زمانی برای بخشش از نظر داستانی مشابهت‌های زیادی با نخستین رمان گریشام با عنوان دارد و از نظر داستانی دنباله ماجراهای این رمان است. در رمان زمانی برای بخشش، جان گریشام داستان پیچیده قتل ناخواسته یک افسر پلیس توسط نوجوانی شانزده‌ساله و روند پیگیری این پرونده و چالش‌هایی که پیش روی جیک برینگس در مسیر اثبات بی‌گناهی این نوجوان قرار دارد را روایت می‌کند و تلاش کرده در کتاب خود برای این پرسش کلیدی که اگر امروز یک پسر شانزده ساله مر تکب قتل شود، چه مجازاتی می‌شود برایش تعیین کرد؟ پاسخ‌هایی بیابد. برای شناخت بیشتر با شیوه نگارش و سبک داستان بر دازای گریشام، بد نیست اشار‌های نیز به نخستین رمان او با عنوان زمانی برای کشتن که اقتباس سینمایی مشهوری نیز از آن ساخته شده، داشته باشیم. جان گریشام سال ۱۹۸۹، نخستین کتابش زمانی برای کشتن، داستانی مهیج از وقایع یک دادگاه، را نوشت و تا قبل از چاپ کتاب دومش به نام «شرکت» مردم به واقع متوجه کتاب اول او نشده بودند. پس از آن بود که کتاب‌های گریشام در ردیف پر فروش ترین رمان‌ها قرار گرفت. اکثر خوانندگان رمان‌های جان گریشام، شخصیت‌های کتاب و مکانی که داستان در آن جریان دارد را می‌شناسند. در داستان زمانی برای کشتن، برینگس دفاع از مرد سیاهپوستی را به‌عهده داشت که مر تکب رفتاری وحشیانه با دختر ده‌ساله او شده بود. دفاع از حقوق یک سیاهپوست در روستایی در جنوب می‌سی‌سی‌پی که همچنان امروزه نیز درگیر اختلافات نژادی است کار بسیار سختی بود، جان گریشام توانست از این موضوع چالش‌برانگیز اثری زی‌با خلق کند و خوانندگان را به خواندنش جذب کند. زمانی که نظرات ما به طرز وحشتناکی دوسویه می‌شود، گریشام به ما یاد آوری می‌کند مردم آن چیزی نیستند که می‌بینیم، بلکه تلقیفی از یکدیگرند که در سایه‌ای خاکستری فرو رفته‌اند. مصاحبه جان گریشام را درباره چگونگی خلق رمان زمانی برای بخشش را بخوانید:

یک سؤال همیشگی که از دیگر نویسندگان پرسیده‌ام را نیز از شما می‌پرسم، کتابتان را برای مخاطبان و خوانندگان چگونه کتابی توصیف می‌کنید؟

با توجه به گذشت زمانی طولانی از انتشار رمان زمانی برای کشتن و نسخه‌های زیادی که از این کتاب به فروش رسیده و در نهایت به یک فیلم محبوب تبدیل شده است، به ذهنم خطور کرد که داستانی چالشی با استفاده از شخصیت رمان زمانی برای کشتن به‌عنوان دنباله‌ای از این رمان با نام زمانی برای بخشش بنویسم، زمانی برای بخشش شخصیت‌های شناخته شده زیادی دارد و داستان این کتاب، هـشال پس از دفاع عجیب برینگس در زمانی برای کشتن اتفاق می‌افتد و داستانی دنباله‌دار است. این بهترین توصیفی است که می‌توانم از داستان این کتاب داشته باشم.

یعنی شما زمانی برای بخشش را یک کتاب دنباله‌دار می‌دانید؟

نمی‌توانم بگویم دنباله‌دار، اما به‌نوعی طرحی است که ادامه دارد و بیشتر دنباله‌روی شخصیت‌های داستان خواهد بود.

به‌نظر شخصیت جیک خصوصیات مشابهی با شما دارد، آیا چنین طرز تلقی‌ای را درست می‌دانید؟

از برخی جهات، بله. وقتی شروع به نوشتن

فرهنگ



چالش دفاع از متهم تنها

رمان «زمانی برای بخشش» بار دیگر نام جان گریشام را زنده کرده است

رمان «زمانی برای بخشش» اثر جان گریشام، نویسنده مطرح آمریکایی به تازگی توسط انتشارات مروارید انتشار یافته، جان گریشام در این رمان به داستانی مهیج و چالش برانگیز در زمینه حقوقی با استفاده از شخصیت جیک برینگس که وکیل دعاوی زیردستی است، پرداخته است. او در رمان

با «زمانی برای بخشش» او کیل دوست داشتنی‌اش جیک برینگس که ۳۰ سال قبل در رمان «زمانی برای کشتن» با او آشنا شدیم، استفاده می‌کند. رمان زمانی برای بخشش از نظر داستانی مشابهت‌های زیادی با نخستین رمان گریشام با عنوان دارد و از نظر داستانی دنباله ماجراهای این رمان است. در رمان زمانی برای بخشش، جان گریشام داستان پیچیده قتل ناخواسته یک افسر پلیس توسط نوجوانی شانزده‌ساله و روند پیگیری این پرونده و چالش‌هایی که پیش روی جیک برینگس در مسیر اثبات بی‌گناهی این نوجوان قرار دارد را روایت می‌کند و تلاش کرده در کتاب خود برای این پرسش کلیدی که اگر امروز یک پسر شانزده ساله مر تکب قتل شود، چه مجازاتی می‌شود برایش تعیین کرد؟ پاسخ‌هایی بیابد. برای شناخت بیشتر با شیوه نگارش و سبک داستان بر دازای گریشام، بد نیست اشار‌های نیز به نخستین رمان او با عنوان زمانی برای کشتن که اقتباس سینمایی مشهوری نیز از آن ساخته شده، داشته باشیم. جان گریشام سال ۱۹۸۹، نخستین کتابش زمانی برای کشتن، داستانی مهیج از وقایع یک دادگاه، را نوشت و تا قبل از چاپ کتاب دومش به نام «شرکت» مردم به واقع متوجه کتاب اول او نشده بودند. پس از آن بود که کتاب‌های گریشام در ردیف پر فروش ترین رمان‌ها قرار گرفت. اکثر خوانندگان رمان‌های جان گریشام، شخصیت‌های کتاب و مکانی که داستان در آن جریان دارد را می‌شناسند. در داستان زمانی برای کشتن، برینگس دفاع از مرد سیاهپوستی را به‌عهده داشت که مر تکب رفتاری وحشیانه با دختر ده‌ساله او شده بود. دفاع از حقوق یک سیاهپوست در روستایی در جنوب می‌سی‌سی‌پی که همچنان امروزه نیز درگیر اختلافات نژادی است کار بسیار سختی بود، جان گریشام توانست از این موضوع چالش‌برانگیز اثری زی‌با خلق کند و خوانندگان را به خواندنش جذب کند. زمانی که نظرات ما به طرز وحشتناکی دوسویه می‌شود، گریشام به ما یاد آوری می‌کند مردم آن چیزی نیستند که می‌بینیم، بلکه تلقیفی از یکدیگرند که در سایه‌ای خاکستری فرو رفته‌اند. مصاحبه جان گریشام را درباره چگونگی خلق رمان زمانی برای بخشش را بخوانید:

نخستین کتابم در سال ۱۹۸۵ کردم، ۳۰سال بود و مثل جیک توی شهر کوچکی و کالت می‌کردم. رؤیاهای بزرگی در کسب داشتم، پرداختن به پرونده‌های بزرگ و کسب پیروزی‌های جنجالی و از این قبیل چیزها این رؤیای تمام و کلاست. آن زمان همسری جوان و زیبا داشتم، بچه‌دار شدیم و زندگی خوب بود، اما خودم خیلی موفق نبودم. باید بگویم هنوز هم در حال تلاش و مبارزه برای کسب موفقیت هستم. بله خیلی از خصوصیات من در جیک هست.

شما هم مانند جیک، صبح‌ها ساعت ۵:۳۰ از خواب بیدار می‌شوید؟
تقریباً ساعتی نزدیک ۱۶:۳۰ از خواب بیدار می‌شوم و ساعت ۷ یا ۷:۳۰ شروع به نوشتن می‌کنم.

همیشه فکر می‌کردم زمانی برای رستادن، اما درواقع با کتاب «شرکت» بود که شهرت پیدا کردید و بعد از آن «زمانی برای کشتن» دیده شد، حدمم درست است؟
از کتاب زمانی برای کشتن فقط ۵۰۰ نسخه چاپ شد و بعد از هجده ماه «شرکت» انتشار یافت و یک شبه از پر فروش ترین‌ها شد و از اینجا بود که مردم متوجه کتاب قبلی شدند. حدود شش ماه، ناشر اصلی کتاب زمانی برای کشتن را پیدا نمی‌کردیم که کتاب را تجدید چاپ



بعد از یکی دو سال که هیجده ساله ش‌ود، از زندان آزاد خواهد شد. بنابراین، این موضوع را مطرح پیدا کرده بود. بالاخره تعدادی به جلد کاغذی از آن نسخه چاپ کردند و خیلی خوب فروش رفت. باز هم پیگیر کارهای چاپ کتاب شدند و با همان جلد گالینگور، دوباره شروع به چاپ کردند. با جلد کالینگور نیز نسخه‌های زیادی از آن کتاب فروختیم. همان موقع بود که شرکت و «پرونده پلیکان» و یک سری کتاب‌های دیگر هم چاپ شد و مدت زیادی جزو پر فروش با بودند.

شما هم مانند جیک، صبح‌ها ساعت ۵:۳۰ از خواب بیدار می‌شوید؟

تقریباً ساعتی نزدیک ۱۶:۳۰ از خواب بیدار می‌شوم و ساعت ۷ یا ۷:۳۰ شروع به نوشتن می‌کنم. در آن زمان چند کتاب هم می‌خواندم و به‌خاطر این کتاب‌ها دارم اما امکان دارد تا چند سال آینده باز هم در این‌باره رمانی بنویسم. فکر می‌کنم بدانم در داستان بعدی چه اتفاقی قرار است بیفتد. این مدل داستان‌ها برای ایجاد حس شور و هیجان در خواننده است. چون هیچ مشکلی وجود نداره، نه قاضی هست و نه وکیل. نوشتن این کتاب‌ها واقعاً سرگرم‌کننده است.

بهتر است دوباره به زمانی برای بخشش رجوع کنیم، بازگشت جیک و کلانتون و می‌سی‌سی‌پی در این داستان چطور بود؟

داستانی خلق کنید؟

اما امکان دارم اما امکان دارد تا چند سال آینده باز هم در این‌باره رمانی بنویسم.

فکر می‌کنم بدانم در داستان بعدی چه اتفاقی قرار است بیفتد. این مدل داستان‌ها برای ایجاد حس شور و هیجان در خواننده است. چون هیچ مشکلی وجود نداره، نه قاضی هست و نه وکیل. نوشتن این کتاب‌ها واقعاً سرگرم‌کننده است.

بهتر است دوباره به زمانی برای بخشش رجوع کنیم، بازگشت جیک و کلانتون و می‌سی‌سی‌پی در این داستان چطور بود؟

داستانی خلق کنید؟

اما امکان دارم اما امکان دارد تا چند سال آینده باز هم در این‌باره رمانی بنویسم.

فکر می‌کنم بدانم در داستان بعدی چه اتفاقی قرار است بیفتد. این مدل داستان‌ها برای ایجاد حس شور و هیجان در خواننده است. چون هیچ مشکلی وجود نداره، نه قاضی هست و نه وکیل. نوشتن این کتاب‌ها واقعاً سرگرم‌کننده است.

بهتر است دوباره به زمانی برای بخشش رجوع کنیم، بازگشت جیک و کلانتون و می‌سی‌سی‌پی در این داستان چطور بود؟

داستانی خلق کنید؟

اما امکان دارم اما امکان دارد تا چند سال آینده باز هم در این‌باره رمانی بنویسم.

فکر می‌کنم بدانم در داستان بعدی چه اتفاقی قرار است بیفتد. این مدل داستان‌ها برای ایجاد حس شور و هیجان در خواننده است. چون هیچ مشکلی وجود نداره، نه قاضی هست و نه وکیل. نوشتن این کتاب‌ها واقعاً سرگرم‌کننده است.

بهتر است دوباره به زمانی برای بخشش رجوع کنیم، بازگشت جیک و کلانتون و می‌سی‌سی‌پی در این داستان چطور بود؟

داستانی خلق کنید؟

اما امکان دارم اما امکان دارد تا چند سال آینده باز هم در این‌باره رمانی بنویسم.

فکر می‌کنم بدانم در داستان بعدی چه اتفاقی قرار است بیفتد. این مدل داستان‌ها برای ایجاد حس شور و هیجان در خواننده است. چون هیچ مشکلی وجود نداره، نه قاضی هست و نه وکیل. نوشتن این کتاب‌ها واقعاً سرگرم‌کننده است.

بهتر است دوباره به زمانی برای بخشش رجوع کنیم، بازگشت جیک و کلانتون و می‌سی‌سی‌پی در این داستان چطور بود؟

داستانی خلق کنید؟

اما امکان دارم اما امکان دارد تا چند سال آینده باز هم در این‌باره رمانی بنویسم.

فکر می‌کنم بدانم در داستان بعدی چه اتفاقی قرار است بیفتد. این مدل داستان‌ها برای ایجاد حس شور و هیجان در خواننده است. چون هیچ مشکلی وجود نداره، نه قاضی هست و نه وکیل. نوشتن این کتاب‌ها واقعاً سرگرم‌کننده است.

بهتر است دوباره به زمانی برای بخشش رجوع کنیم، بازگشت جیک و کلانتون و می‌سی‌سی‌پی در این داستان چطور بود؟

داستانی خلق کنید؟

اما امکان دارم اما امکان دارد تا چند سال آینده باز هم در این‌باره رمانی بنویسم.

فکر می‌کنم بدانم در داستان بعدی چه اتفاقی قرار است بیفتد. این مدل داستان‌ها برای ایجاد حس شور و هیجان در خواننده است. چون هیچ مشکلی وجود نداره، نه قاضی هست و نه وکیل. نوشتن این کتاب‌ها واقعاً سرگرم‌کننده است.

بهتر است دوباره به زمانی برای بخشش رجوع کنیم، بازگشت جیک و کلانتون و می‌سی‌سی‌پی در این داستان چطور بود؟

داستانی خلق کنید؟

اما امکان دارم اما امکان دارد تا چند سال آینده باز هم در این‌باره رمانی بنویسم.

فکر می‌کنم بدانم در داستان بعدی چه اتفاقی قرار است بیفتد. این مدل داستان‌ها برای ایجاد حس شور و هیجان در خواننده است. چون هیچ مشکلی وجود نداره، نه قاضی هست و نه وکیل. نوشتن این کتاب‌ها واقعاً سرگرم‌کننده است.

بهتر است دوباره به زمانی برای بخشش رجوع کنیم، بازگشت جیک و کلانتون و می‌سی‌سی‌پی در این داستان چطور بود؟

داستانی خلق کنید؟

اما امکان دارم اما امکان دارد تا چند سال آینده باز هم در این‌باره رمانی بنویسم.

فکر می‌کنم بدانم در داستان بعدی چه اتفاقی قرار است بیفتد. این مدل داستان‌ها برای ایجاد حس شور و هیجان در خواننده است. چون هیچ مشکلی وجود نداره، نه قاضی هست و نه وکیل. نوشتن این کتاب‌ها واقعاً سرگرم‌کننده است.

بهتر است دوباره به زمانی برای بخشش رجوع کنیم، بازگشت جیک و کلانتون و می‌سی‌سی‌پی در این داستان چطور بود؟

داستانی خلق کنید؟

اما امکان دارم اما امکان دارد تا چند سال آینده باز هم در این‌باره رمانی بنویسم.

فکر می‌کنم بدانم در داستان بعدی چه اتفاقی قرار است بیفتد. این مدل داستان‌ها برای ایجاد حس شور و هیجان در خواننده است. چون هیچ مشکلی وجود نداره، نه قاضی هست و نه وکیل. نوشتن این کتاب‌ها واقعاً سرگرم‌کننده است.

بهتر است دوباره به زمانی برای بخشش رجوع کنیم، بازگشت جیک و کلانتون و می‌سی‌سی‌پی در این داستان چطور بود؟

داستانی خلق کنید؟

اما امکان دارم اما امکان دارد تا چند سال آینده باز هم در این‌باره رمانی بنویسم.

فکر می‌کنم بدانم در داستان بعدی چه اتفاقی قرار است بیفتد. این مدل داستان‌ها برای ایجاد حس شور و هیجان در خواننده است. چون هیچ مشکلی وجود نداره، نه قاضی هست و نه وکیل. نوشتن این کتاب‌ها واقعاً سرگرم‌کننده است.

بهتر است دوباره به زمانی برای بخشش رجوع کنیم، بازگشت جیک و کلانتون و می‌سی‌سی‌پی در این داستان چطور بود؟

داستانی خلق کنید؟

اما امکان دارم اما امکان دارد تا چند سال آینده باز هم در این‌باره رمانی بنویسم.

فکر می‌کنم بدانم در داستان بعدی چه اتفاقی قرار است بیفتد. این مدل داستان‌ها برای ایجاد حس شور و هیجان در خواننده است. چون هیچ مشکلی وجود نداره، نه قاضی هست و نه وکیل. نوشتن این کتاب‌ها واقعاً سرگرم‌کننده است.

بهتر است دوباره به زمانی برای بخشش رجوع کنیم، بازگشت جیک و کلانتون و می‌سی‌سی‌پی در این داستان چطور بود؟

داستانی خلق کنید؟

اما امکان دارم اما امکان دارد تا چند سال آینده باز هم در این‌باره رمانی بنویسم.

فکر می‌کنم بدانم در داستان بعدی چه اتفاقی قرار است بیفتد. این مدل داستان‌ها برای ایجاد حس شور و هیجان در خواننده است. چون هیچ مشکلی وجود نداره، نه قاضی هست و نه وکیل. نوشتن این کتاب‌ها واقعاً سرگرم‌کننده است.

بهتر است دوباره به زمانی برای بخشش رجوع کنیم، بازگشت جیک و کلانتون و می‌سی‌سی‌پی در این داستان چطور بود؟

داستانی خلق کنید؟

اما امکان دارم اما امکان دارد تا چند سال آینده باز هم در این‌باره رمانی بنویسم.

فکر می‌کنم بدانم در داستان بعدی چه اتفاقی قرار است بیفتد. این مدل داستان‌ها برای ایجاد حس شور و هیجان در خواننده است. چون هیچ مشکلی وجود نداره، نه قاضی هست و نه وکیل. نوشتن این کتاب‌ها واقعاً سرگرم‌کننده است.

بهتر است دوباره به زمانی برای بخشش رجوع کنیم، بازگشت جیک و کلانتون و می‌سی‌سی‌پی در این داستان چطور بود؟

داستانی خلق کنید؟

اما امکان دارم اما امکان دارد تا چند سال آینده باز هم در این‌باره رمانی بنویسم.

فکر می‌کنم بدانم در داستان بعدی چه اتفاقی قرار است بیفتد. این مدل داستان‌ها برای ایجاد حس شور و هیجان در خواننده است. چون هیچ مشکلی وجود نداره، نه قاضی هست و نه وکیل. نوشتن این کتاب‌ها واقعاً سرگرم‌کننده است.

بهتر است دوباره به زمانی برای بخشش رجوع کنیم، بازگشت جیک و کلانتون و می‌سی‌سی‌پی در این داستان چطور بود؟

داستانی خلق کنید؟

اما امکان دارم اما امکان دارد تا چند سال آینده باز هم در این‌باره رمانی بنویسم.

فکر می‌کنم بدانم در داستان بعدی چه اتفاقی قرار است بیفتد. این مدل داستان‌ها برای ایجاد حس شور و هیجان در خواننده است. چون هیچ مشکلی وجود نداره، نه قاضی هست و نه وکیل. نوشتن این کتاب‌ها واقعاً سرگرم‌کننده است.

بهتر است دوباره به زمانی برای بخشش رجوع کنیم، بازگشت جیک و کلانتون و می‌سی‌سی‌پی در این داستان چطور بود؟

داستانی خلق کنید؟

اما امکان دارم اما امکان دارد تا چند سال آینده باز هم در این‌باره رمانی بنویسم.

فکر می‌کنم بدانم در داستان بعدی چه اتفاقی قرار است بیفتد. این مدل داستان‌ها برای ایجاد حس شور و هیجان در خواننده است. چون هیچ مشکلی وجود نداره، نه قاضی هست و نه وکیل. نوشتن این کتاب‌ها واقعاً سرگرم‌کننده است.

بهتر است دوباره به زمانی برای بخشش رجوع کنیم، بازگشت جیک و کلانتون و می‌سی‌سی‌پی در این داستان چطور بود؟

داستانی خلق کنید؟

اما امکان دارم اما امکان دارد تا چند سال آینده باز هم در این‌باره رمانی بنویسم.

فکر می‌کنم بدانم در داستان بعدی چه اتفاقی قرار است بیفتد. این مدل داستان‌ها برای ایجاد حس شور و هیجان در خواننده است. چون هیچ مشکلی وجود نداره، نه قاضی هست و نه وکیل. نوشتن این کتاب‌ها واقعاً سرگرم‌کننده است.

بهتر است دوباره به زمانی برای بخشش رجوع کنیم، بازگشت جیک و کلانتون و می‌سی‌سی‌پی در این داستان چطور بود؟

داستانی خلق کنید؟

اما امکان دارم اما امکان دارد تا چند سال آینده باز هم در این‌باره رمانی بنویسم.

فکر می‌کنم بدانم در داستان بعدی چه اتفاقی قرار است بیفتد. این مدل داستان‌ها برای ایجاد حس شور و هیجان در خواننده است. چون هیچ مشکلی وجود نداره، نه قاضی هست و نه وکیل. نوشتن این کتاب‌ها واقعاً سرگرم‌کننده است.

بهتر است دوباره به زمانی برای بخشش رجوع کنیم، بازگشت جیک و کلانتون و می‌سی‌سی‌پی در این داستان چطور بود؟

داستانی خلق کنید؟

اما امکان دارم اما امکان دارد تا چند سال آینده باز هم در این‌باره رمانی بنویسم.

فکر می‌کنم بدانم در داستان بعدی چه اتفاقی قرار است بیفتد. این مدل داستان‌ها برای ایجاد حس شور و هیجان در خواننده است. چون هیچ مشکلی وجود نداره، نه قاضی هست و نه وکیل. نوشتن این کتاب‌ها واقعاً سرگرم‌کننده است.

بهتر است دوباره به زمانی برای بخشش رجوع کنیم، بازگشت جیک و کلانتون و می‌سی‌سی‌پی در این داستان چطور بود؟

داستانی خلق کنید؟

اما امکان دارم اما امکان دارد تا چند سال آینده باز هم در این‌باره رمانی بنویسم.

فکر می‌کنم بدانم در داستان بعدی چه اتفاقی قرار است بیفتد. این مدل داستان‌ها برای ایجاد حس شور و هیجان در خواننده است. چون هیچ مشکلی وجود نداره، نه قاضی هست و نه وکیل. نوشتن این کتاب‌ها واقعاً سرگرم‌کننده است.

بهتر است دوباره به زمانی برای بخشش رجوع کنیم، بازگشت جیک و کلانتون و می‌سی‌سی‌پی در این داستان چطور بود؟

داستانی خلق کنید؟

اما امکان دارم اما امکان دارد تا چند سال آینده باز هم در این‌باره رمانی بنویسم.

فکر می‌کنم بدانم در داستان بعدی چه اتفاقی قرار است بیفتد. این مدل داستان‌ها برای ایجاد حس شور و هیجان در خواننده است. چون هیچ مشکلی وجود نداره، نه قاضی هست و نه وکیل. نوشتن این کتاب‌ها واقعاً سرگرم‌کننده است.

بهتر است دوباره به زمانی برای بخشش رجوع کنیم، بازگشت جیک و کلانتون و می‌سی‌سی‌پی در این داستان چطور بود؟

داستانی خلق کنید؟

اما امکان دارم اما امکان دارد تا چند سال آینده باز هم در این‌باره رمانی بنویسم.

فکر می‌کنم بدانم در داستان بعدی چه اتفاقی قرار است بیفتد. این مدل داستان‌ها برای ایجاد حس شور و هیجان در خواننده است. چون هیچ مشکلی وجود نداره، نه قاضی هست و نه وکیل. نوشتن این کتاب‌ها واقعاً سرگرم‌کننده است.

بهتر است دوباره به زمانی برای بخشش رجوع کنیم، بازگشت جیک و کلانتون و می‌سی‌سی‌پی در این داستان چطور بود؟

داستانی خلق کنید؟

اما امکان دارم اما امکان دارد تا چند سال آینده باز هم در این‌باره رمانی بنویسم.

فکر می‌کنم بدانم در داستان بعدی چه اتفاقی قرار است بیفتد. این مدل داستان‌ها برای ایجاد حس شور و هیجان در خواننده است. چون هیچ مشکلی وجود نداره، نه قاضی هست و نه وکیل. نوشتن این کتاب‌ها واقعاً سرگرم‌کننده است.

بهتر است دوباره به زمانی برای بخشش رجوع کنیم، بازگشت جیک و کلانتون و می‌سی‌سی‌پی در این داستان چطور بود؟

داستانی خلق کنید؟

اما امکان دارم اما امکان دارد تا چند سال آینده باز هم در این‌باره رمانی بنویسم.

فکر می‌کنم بدانم در داستان بعدی چه اتفاقی قرار است بیفتد. این مدل داستان‌ها برای ایجاد حس شور و هیجان در خواننده است. چون هیچ مشکلی وجود نداره، نه قاضی هست و نه وکیل. نوشتن این کتاب‌ها واقعاً سرگرم‌کننده است.

بهتر است دوباره به زمانی برای بخشش رجوع کنیم، بازگشت جیک و کلانتون و می‌سی‌سی‌پی در این داستان چطور بود؟

داستانی خلق کنید؟

اما امکان دارم اما امکان دارد تا چند سال آینده باز هم در این‌باره رمانی بنویسم.

فکر می‌کنم بدانم در داستان بعدی چه اتفاقی قرار است بیفتد. این مدل داستان‌ها برای ایجاد حس شور و هیجان در خواننده است. چون هیچ مشکلی وجود نداره، نه قاضی هست و نه وکیل. نوشتن این کتاب‌ها واقعاً سرگرم‌کننده است.

بهتر است دوباره به زمانی برای بخشش رجوع کنیم، بازگشت جیک و کلانتون و می‌سی‌سی‌پی در این داستان چطور بود؟

داستانی خلق کنید؟

اما امکان دارم اما امکان دارد تا چند سال آینده